

قیام شیخ محمد خیابانی

احمد کسروی

ویرایش و مقدمه
محمدعلی همایون کاتوزیان



معرفی کتاب

قیام شیخ محمد خیابانی

و بررسی اهداف

و انگیزه‌های قیام

- قیام شیخ محمد خیابانی
- تالیف: احمد کسروی
- مقدمه و ویرایش: محمدعلی کاتوزیان
- ناشر: نشر مرکز، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ۱۷۲ ص.
- بهاء ۷۸۰ تومان.

○ ناصر یادگاری

فصل پنجم اختصاص به بررسی گزارش و تحلیل کسروی از قیام خیابانی دارد و فصل ششم به بررسی یادداشت‌های مخبرالسلطنه پیرامون واقعه کشته شدن خیابانی مربوط است.

در فصل هفتم هدف‌های قیام خیابانی و تشکیل آزادیستان و روابط قیامیان و دولت وثوق الدوله و رابطه خیابانی با بلشویک‌ها بررسی و در پایان آن جمع بندی کوتاهی از هدف‌های خیابانی ارائه شده است. موضوع فصل هشتم پیرامون ویژگی‌های نگارش کسروی و در خاتمه اشاره‌ای به پژوهش‌های موجود بعدی در زمینه موضوع مورد بحث است. و آخر سر آقای کاتوزیان از مقاله خود راجع به قیام شیخ محمد خیابانی صحبت نموده‌اند که وعده انتشار آن را داده‌اند.

نظر به اینکه بحث انگیزترین مسئله پیرامون قیام خیابانی انگیزه‌ها و هدف‌های آن قیام است و تاکنون نظرات متعددی در این زمینه ارائه گردیده است، به لحاظ اهمیت نظرات ارائه شده در این کتاب ضمن بهره‌گیری از نطق‌های خیابانی صرفاً به این مورد توجه نموده، نقد و بررسی کلی کتاب به فرصتی دیگر موکول می‌نمائیم. کسروی با طرح این مسئله که خیابانی چه می‌خواست و مرام او چه بود؟ (ص ۱۵۱) می‌نویسد: «مرام خیابانی نیک پیداست زیرا چه در هنگام قیام چه پیش از آن وی را خواست و آرزویی بزرگتر از این نبود که به نام پیشوای حزب یا به نام دیگری جایگاه بس بلندی برای خود داشته باشد و فرمان راند. و در هنگام قیام چون زمینه بس سازگاری پیش آمد، وی نیز همت خود را بلندتر گردانید و می‌کوشید که رشته اختیار آذربایگان به وی سپرده گردد. و دولت ایران برای آن بخش از خاک خود نیمه‌استقلال یا استقلال داخلی بیخشد.» (ص ۱۵۲)

کسروی تبدیل آذربایگان به آزادیستان و درخواست

دموکراتهای تبریز می‌باشد. در بخش‌های چهارم تا ششم به داستان قیام از آغاز تا پایان کار و کشته شدن خیابانی و بررسی هدف‌ها و انگیزه‌های قیام پرداخته شده است.

مقدمه آقای کاتوزیان خود قسمت جداگانه‌ای است که سبب شده کتاب به دو قسمت مجزا تقسیم شود. مقدمه ایشان در هشت فصل و یک ضمیمه به نگارش درآمده است. فصل اول مقدمه به تبیین ارزش و اهمیت کتاب پرداخته و آورده است: «... همین که این دستنویس اثر ناشناخته یکی از پژوهشگران نامدار عصر ماست برای توجه و اعتنا به آن کافی است... اما دستنویس کسروی درباره یکی از وقایع مهم تاریخ معاصر ایران است که تاثیر بزرگی در نهضیات و حوادث سیاسی و اجتماعی آذربایجان و همه ایران داشته و هنوز هم مطرح و بحث‌انگیز است... اهمیت دیگر دستنویس کسروی در اینست که خود او شاهد و ناظر آن حوادث بوده و سیر آن را با نظم و ترتیب و همراه با تحلیل و نقد و اظهار نظر صریح خود شرح داده است و این تحلیل و نقد و اظهار نظر صریح او چه پیش از قیام خیابانی و چه در ماه‌های قیام همراه است... این ارزیابی و داوریه‌ها طبیعتاً فقط به حوادث منحصر نیست، بلکه شخصیت‌های اصلی آن را اعم از خیابانی و سایر رهبران حزب دموکرات تبریز و دیگران را دربرمی‌گیرد.» (صص ۱۶-۱۳).

در فصل دوم و سوم، کاتوزیان به بررسی فعالیتهای خیابانی و نویری و رفعت با توجه به شرح کسروی از آنان پرداخته است.

موضوع فصل چهارم ارائه دورنمایی از قیام خیابانی و بررسی روند تحولات عمده سیاسی ایران در جنگ جهانی اول و پس از آن و وقوع انقلاب روسیه و قرارداد ۱۹۱۹ است.

قیام شیخ محمد خیابانی یکی از مهمترین رویدادهای دوران پس از انقلاب مشروطیت است، که آگاهی از علل و عوامل و جزئیات وقایع آن برای شناخت دقیق و تحلیل صحیح تاریخ معاصر ایران ضروری و غیرقابل اغماض است.

همانگونه که می‌دانیم از جمله معتبرترین و قابل اتکاترین منابعی که می‌تواند برای اطلاع از چند و چون چنین رویدادهایی جهت دست یافتن به ارزیابی واقع‌بینانه از آنها، مورد استناد قرار بگیرند، نوشته‌های معاصرین و دست‌اندرکاران آن رویدادهاست.

کتاب حاضر ضمن حائز بودن این شرایط، به لحاظ سبک تاریخ‌نگاری خاص مؤلف آن - کسروی - و نیز تقارن با رویداد و دوری از تحلیل‌ها و داوری‌های بعدی و ارائه اطلاعات دست اول و نزدیک به زمان، جزء منابع اصیل در این زمینه است.

کسروی این کتاب - به قول خودش دفتر- را بنابه خواهش دوستش آقای حسین کاظم‌زاده تبریز (ایران‌شهر) تحریر نموده که مشتمل بر پیشگفتاری کوتاه و سه بخش و یک پسگفتار موجز می‌باشد، که پس از ویرایش در شش بخش تنظیم گردیده است.

بخش اول ضمن ارائه دورنمایی از اوضاع آذربایجان پس از انقلاب مشروطه و حوادث جنگ جهانی اول تا آغاز انقلاب روسیه و حاوی شمه‌ای از شخصیت و فعالیتهای شیخ محمد خیابانی می‌باشد.

در بخش دوم حوادث از آغاز انقلاب روسیه تا اواخر جنگ جهانی اول و حوادث تبریز و آذربایجان و وضع دموکرات‌های تبریز و فعالیت‌های خیابانی و هوادارانش تشریح گردیده است.

موضوع بخش سوم اوضاع آذربایجان از رفتن عثمانیها تا آغاز قیام و فعالیت‌های خیابانی و انشعاب

شناسایی رسمیت آن از سوی کابینه مشیرالدوله را در این راستا بیان می‌کند. (ص ۱۵۴).

کاتوزیان هم از تاکید کسروی در سراسر دستنویس بر هدف‌های شخصی خیابانی سخن رانده و از قول کسروی آورده «او مردی مقتدر و خود رای بود. می‌خواست به هر قیمتی و به هر بهانه‌ای امور آذربایجان در دست او باشد.» (صص ۶۴-۶۳) ولی نگرش کاتوزیان به این اظهارنظر کسروی تردیدآمیز می‌نماید. چه در ادامه می‌نویسد: «نگارنده این سطور نمی‌داند که این ارزیابی تا چه پایه درست است. باتوجه به شیوه بیان و شرح کسروی و آگاهی ما نسبت به شخصیت و خلقیات خود او نمی‌توان در صداقت او نسبت به این ارزیابی شک کرد، اما این الزاماً دلیل بر آن نیست که نفس ارزیابی مزبور درست بوده باشد. خاصه با توجه به این واقعیت که کسروی خود تا اندازه‌ای در ماجرا درگیر بوده، و در جریان آن دلگیری‌هایی نیز از خیابانی پیدا کرده بود و اعتقاد دارد که هدف‌های خیابانی و یارانش را باید با توجه به آنچه که می‌گفتند و آنچه کردند بررسی کرد.» (ص ۶۴)

نتیجه‌ای که کاتوزیان به استناد داوری کسروی می‌گیرد اینست که: «دولت به آذربایجان نوعی خودمختاری دهد، و حکومت خیابانی را در آن بخش از خاک خود تأیید کند» (همانجا). سپس می‌افزاید: خیابانی به اقتضای زمان «صریحاً نمی‌گفت که خواهان خودمختاری برای آذربایجان و خاصه برای حکومت خود و یارانش در آن سامان است. چون اولاً برای آن مجوز سیاسی نداشت، ثانیاً با توجه به وضع کشورهای همسایه ظن تجزیه‌طلبی را پدید می‌آورد.» (صص ۶۶-۶۵). در مورد آزادستان، کاتوزیان به استناد نظر کسروی آن را گامی برای خواستن نوعی خودمختاری تلقی کرده است. (ص ۶۶) وی انگیزه ضدیت قیام با قرارداد ۱۹۱۹ را درست ندانسته و عقیده دارد «باتوجه به اینکه مبارزه با قرارداد ۱۹۱۹ در آن زمان دلیل یا دستاویز مشروع برای هر اقدامی بر ضد دولت تلقی می‌شد و همین که خیابانی و یارانش این موضوع را دلیل، حتی دستاویز قیام خود نکرده بودند، بسیار درخور توجه است. به ویژه آنکه حتی پس از افتادن دولت وثوق الدوله در مرداد ۱۲۹۹ ش. و ایجاد این حس عمومی که کابینه مشیرالدوله قرارداد مزبور را تأیید نخواهد کرد، قیامیان آذربایجان نه دراین باره چیزی گفتند و نه روش خود را در برابر دولت تغییر دادند.» (ص ۶۸) در جمع بندی هدف‌های قیام، کاتوزیان به استناد بیانیه قیامیان در ۱۹ فروردین ۱۲۹۹ که پروگرام آزادیخواهان را برقرار داشتن آسایش عمومی و از قوه به فعل آوردن رژیم مشروطیت، اعلام نموده است می‌نویسد: «متن بیانیه کلی و مبهم است و هیچ خواست، هدف و برنامه مشخص و ملموسی در آن نیست. با این وصف مطالعه دقیق آن می‌رساند که هدف همان دست یافتن به

نوعی خودمختاری ایالتی بوده است. اما این تصور را که هدف آنان گسترش رژیم آزادستان به سراسر ایران بوده است قبول ندارد» (صص ۷۶-۷۵).

کاتوزیان همچنین در دستنویسی که در اشاره به پژوهش‌های



نظر به اینکه برخی انگیزه‌های مسئله
برآوردن قیام خیابانی انگیزه‌های هدف‌های آن قیام است
و تاکنون نظرات متعددی در این زمینه ارائه گردیده است،
به لحاظ اهمیت نظرات ارائه شده در این کتاب ضمن
بهره‌گیری از نطق‌های خیابانی صورت گرفته این مورد توجه
سده، نقد و بررسی کلی کتاب به فرصتی دیگر موقوف
می‌نمایم

بعدهی

نوشته به انتشار

اسناد ادموندز کنسول انگلیس در تبریز اشاره و به استناد آنها می‌نویسد: «مطالعه این اسناد ثابت می‌کند که قیام خیابانی بخاطر قرارداد ۱۹۱۹ نبود و خیابانی کنترل قرارداد مزبور با وثوق الدوله مبارزه نمی‌کرد، بلکه خواهان تثبیت حکومت خود در آذربایجان بود و قیام خیابانی تجزیه طلبانه نبود» (ص ۸۱). در راستای این دیدگاه کاتوزیان که معتقد بود هدف‌های خیابانی و یارانش را با توجه به آنچه می‌گفتند و آنچه می‌کردند، بی‌مناسبت دیده نشد که با آوردن قرازهایی از سخنان شیخ محمد خیابانی در کنفرانس‌های متعددش، شیوه گفتاری و رفتاری او را در معرض دید قرار داد. و با دیدگاه‌های ارائه شده در کتاب سنجید.

خیابانی در نطق روز جمعه ۳ اردیبهشت ۱۲۹۹ می‌گوید: مقصود یگانگی ما تاسیس و ایجاد حکومت دموکراتیک و تامین دوام و بقای آزادی این مملکت است. در فرازی دیگر می‌گوید: ما می‌خواهیم در ایران یک نوع حکومت

دموکراتیک تاسیس نمائیم که عملاً حاکمیت ملت را حایز باشد و یک استقلال تام و آزادی کامل را شامل گردد، موسسات و ادارات این حکومت زاینده اراده دموکراسی بوده، تمامی اختیارات و اقتدارات از ناحیه ملت به وجود آید. در نطق روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۲۹۹ خیابانی اهداف خود را چنین توضیح می‌دهد: فعلاً ما یک مشروطه داریم از قوه به فعل آوردن این مشروطه اولین قدمی است که باید برداریم و اول چیزی که می‌خواهیم عبارت از استقرار رژیم مشروطیت در سراسر ایران است.

خیابانی در مورد لزوم پایبندی به حاکمیت ملی می‌گوید: ما هرگز راهی نمی‌رویم که برخلاف صلاح دموکراسی ایران و برخلاف مصلحت آزادی و استقلال ایران باشد.

بدینسان خیابانی براساس مشی گفتاری و رفتاری اش خواهان این بوده است که ایران صاحب حکومتی دموکراتیک و مستقل و آزاد باشد بطوریکه ملت در آن به اصلی‌ترین حقوق اساسی خود یعنی حق حاکمیت برسد. و به تعبیر کسروی در جای دیگر: «خیابانی همچون بسیار دیگران آرزومند نیکی ایران بود و یگانه راه آن را بدست آوردن سررشته‌داری (حکومت) می‌شناخت که ادارات را بهم زند، و از نوسازد و قانون‌ها را دیگر گرداند... آنان نیکی ایران را جز از این راه نمی‌دانستند.»

پی نوشت‌ها:

- ۱- به عنوان نمونه ر - ک به: آذری، علی، قیام شیخ محمدخیابانی، چ ۴، تهران، ۱۳۵۴، انتشارات صفی‌علیشاه و کسروی، احمد، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، چاپ‌های متعدد؛ نویسی، عبدالحسین، ایران و جهان، چ ۳، چ ۱، تهران، ۱۳۷۵، انتشارات هما، و مقاله: برادران شکوهی، سیروس: «سوینای قلب وطن دوستان و عنایت خواهان» مقاله به مناسبت هفتاد و چهارمین سالگرد شهادت مظلومانه خیابانی، مجله دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۲۳، س ۲۴، پائیز ۱۳۷۰.
- ۲- جهت اطلاع بیشتر ر - ک به: کسروی، احمد، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، چ ۱۱، تهران، ۱۳۷۶، امیرکبیر، ص ۸۶۸.
- ۳- خیابانی، بهرام، نطق‌های شیخ محمد خیابانی، چ ۱، تهران، انتشارات احسان، ص ۱۳.
- ۴- همان، ص ۲۸.
- ۵- همان، ص ۴۶.
- ۶- همان، ص ۱۰۲.
- ۷- کسروی، همان، ص ۸۶۵.